

هدفمندی و آرمان‌گرایی در سبک زندگی اسلامی

مجید کافی*

چکیده

در بیشتر نظریه‌های روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه سبک زندگی، به آرمان و اهداف فردی و اجتماعی مردم که پشتوانه سبک زندگی آنان است، توجه نشده یا کم‌تر توجه شده است؛ اما بررسی سبک زندگی بر اساس آموزه‌ها و جهان‌بینی اسلامی نمی‌تواند نسبت به اهداف و آرمان‌های فردی و اجتماعی بی‌تفاوت باشد. طبق این بیان، می‌توان پرسش جستار را این‌گونه صورت‌بندی کرد که در سبک زندگی اسلامی آرمان و هدف‌های زندگی چیست؟ هدف این مقاله کشف و استنباط آرمان و اهداف سبک زندگی از قرآن و نشان دادن تفاوت میان هدف‌ها و آرمان زندگی است با این فرضیه که آرمان زندگی فرد مسلمان در طول هدف‌های زندگی وی تعریف می‌شوند. در این جستار روش این‌گونه است که ابتدا پرسش‌هایی طرح می‌شود و بعد به جستجوی پاسخ آن در منابع اسلامی پرداخته می‌شود. در روش تحلیل متن ارتباط بین رجوع به متن و نتیجه‌گیری درباره هر مطلب، دو سویه و مکرر است. نتیجه اینکه سبک زندگی اسلامی دارای یک آرمان و تعدادی هدف است. اهداف زندگی خود بر دو نوع خرد و کلان و وسیله‌ای و نهایی (آرمان) قابل تقسیم هستند. آرمان زندگی در قرآن بر اساس تفسیرهای مختلف یکی از سه مورد: زندگی پاکیزه، عبودیت و عبادت می‌تواند باشد که به نظر می‌رسد همه آن‌ها در حقیقت بیان‌کننده یک چیز هستند.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، اهداف زندگی، آرمان زندگی، آرمان‌گرایی، جهان‌بینی اسلامی.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه، استادیار، مدیر گروه جامعه‌شناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران.

مقدمه

هدفمندی و آرمان‌گرایی به‌عنوان یک ویژگی در سبک زندگی اسلامی قابل بحث و بررسی است. زمینه هدفمندی و آرمان‌گرایی در سبک زندگی به دو صورت قابل بیان است؛ نخست اینکه یکی از مؤلفه‌های گرایش‌های انسان، تمایلات وی است. تمامی تمایلات انسان به‌طورکلی به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند (برای آگاهی بیشتر از انواع تمایلات انسان ر.ک: مصباح یزدی ۱۳۹۰، ۲۳ به بعد.) که به تمایلات سه‌گانه معروف هستند: میل به زاد و ولد، میل به قدرت‌طلبی و میل به هدفمندی (میل به داشتن هدف در زندگی). تمامی تمایلات انسان از هر نوع که باشد، خواه تمایلات جنسی، قدرت‌طلبی، تحسین‌طلبی، میل به ثروت، شهرت، حالات و انگیزه‌های رهبران مذهبی، معنوی و روحانی، رهبران سیاسی و حتی تروریستی، در این سه دسته طبقه‌بندی می‌شوند. بررسی میل سوم یعنی میل به هدفمندی زندگی در نظریه سبک زندگی اسلامی موضوع این جستار است.

دومین زمینه این است که انسان‌ها در زندگی خود سبک‌های متفاوتی دارند، چون هدف‌ها و آرمان‌مختلفی را دنبال می‌کنند. برای انسان معاصر سبک زندگی بسیار متنوع شده است تا جایی که دیگر نمی‌توان دم از یک سبک زندگی زد، بلکه باید از سبک‌های زندگی یاد کرد. یکی از عوامل تنوع سبک زندگی، تنوع اهداف زندگی برای انسان معاصر است. به‌عبارت دیگر تنوع اهداف زندگی سبب شده است تا سبک زندگی انسان نیز بسیار متعدد و متفاوت گردد؛ چراکه سبک زندگی انسان‌ها به‌وسیله اهدافشان هدایت می‌شوند. فهم چرایی تنوع و تکثر سبک‌های زندگی و درک بهتر از سبک زندگی اسلامی، به جستاری در هدفمندی و آرمان‌گرایی سبک زندگی نیاز دارد.

افزون بر این، اینکه انسان چرا باید هدف‌های زندگی خویش را بشناسد، به‌دلیل پیامدهایی است که آگاهی از هدف‌های زندگی به‌دنبال دارد. آگاهی از هدف زندگی ۱. به انسان کمک می‌کند تا نیروهای خود را متمرکز کند؛ ۲. زندگی را برای وی آسان کرده و به او آرامش بخشد؛ ۳. برای زندگی او ایجاد انگیزه کند؛ ۴. او را برای زندگی پس از مرگ و ابدیت آماده کند. به‌طورکلی می‌توان به آرامش، امید و نشاط (شادکامی) به‌عنوان پیامدهای درک و فهم اهداف و آرمان ارزشمند زندگی اشاره است. در مقابل اینکه دانستن هدف‌های زندگی مهم است، ندانستن هدف زندگی نیز پیامدهای ناشایسته‌ای را برای فرد به‌همراه دارد. بر اساس اینکه انسان باید هدف‌های زندگی را بشناسد، این پرسش مطرح می‌شود که شناختن هدف‌های زندگی برای فرد چه پیامدهایی را به‌همراه دارد؟ پاسخ تفصیلی به این پرسش نیازمند تحقیقی مفصل و مستقل دیگری است؛ اما به‌طور خلاصه می‌توان

گفت اگر انسان نتواند برای زندگی خود اهدافی را تشخیص دهد، تأثیرات منفی آن به چهار صورت بروز خواهد کرد: ۱. زندگی بدون هدف خسته‌کننده است. زندگی بدون هدف انسان را به‌سوی فرسودگی و از دست دادن انرژی و انگیزه می‌کشاند. زندگی انسان نباید مثل پدیده‌های طبیعی در یک چرخه به‌طور دائم دور بزند. تفاوت زندگی انسان با پدیده‌های طبیعی در همین است که پدیده‌های طبیعی در یک چرخه به‌طور مستمر تکرار می‌شوند. زندگی بدون هدف مثل پدیده‌های طبیعی دوری می‌شود و از این‌رو بسیار خسته‌کننده هستند، ولی انسان به‌دلیل هدف داشتن در زندگی از این چرخه خارج شده و از خستگی آن می‌کاهد. ۲. زندگی بدون هدف غیر قابل کنترل است. ۳. زندگی بدون هدف ارضاکنده نیازهای بیرونی و درونی انسان نیست. ۴. آگاهی از اهداف زندگی، پیامد دستیابی به اهداف زندگی است. (وارن [بی‌تا]، ۲)

در بیشتر نظریه‌های سبک زندگی روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه^۱، به آرمان و اهداف فردی و اجتماعی مردم که پشتوانه سبک زندگی آنان است، توجه نشده یا کم‌تر توجه شده است؛ اما بررسی سبک زندگی بر اساس آموزه‌ها و جهان‌بینی اسلامی نمی‌تواند نسبت به اهداف و آرمان‌های فردی و اجتماعی بی‌تفاوت باشد، به‌عبارت دیگر در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی به سبک زندگی به‌عنوان یک‌سری رفتار و کنش توجه می‌شود، به‌طور مثال روان‌شناس می‌خواهد بداند خواب و بیداری فرد چگونه است، مقدار خواب او چقدر است، زمان خواب او چه موقع است و ...، ولی به پیوند این کنش‌ها با زمینه‌هایی که آن‌ها را شکل می‌دهند و آرمان‌هایی که برای رسیدن به آن‌ها کنش صورت می‌گیرد، توجه نمی‌شود.

آیا امکان دارد سبک زندگی را بدون تعیین اهداف و آرمان‌های آن تعریف کرد؟ اگرچه تعیین آرمان و اهداف سبک زندگی از مهم‌ترین دشواری‌هایی است که روان‌شناس و جامعه‌شناس مسلمان برای تبیین سبک زندگی اسلامی باید تحمل کند، اما بر اساس نتایج تحقیق حاضر جواب این پرسش منفی است. باید هدف زندگی مشخص باشد تا بتوان تعریفی از سبک زندگی ارائه کرد. هر فرد و اجتماعی برای زندگی خود هدف یا اهدافی را تعریف می‌کند؛ اما کسانی که بر اساس آموزه‌های یک دین خاص زندگی می‌کنند، آرمان و اهداف زندگی خود را از دین می‌گیرند و آن‌ها را باور کرده و می‌پذیرند، اما کسانی که زندگی بر اساس آموزه‌های دینی ندارند یا کم‌تر تحت تأثیر آموزه‌های دینی قرار دارند، اهداف زندگی را از چه منبع یا منابعی به‌دست می‌آورند؟

سبک زندگی اسلامی هم برای زندگی آرمان و اهدافی تعریف و مشخص می‌کند و هم راهکارهایی برای رسیدن به آن‌ها پیش پای مردم می‌نهد. سبک زندگی اسلامی افزون بر

۱. رک: آدلر، روان‌شناسی فردی؛ مهدوی‌کنی، مفهوم و سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی؛ کاویانی، سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن.

تعریف هدف‌های زندگی، راه‌هایی برای رسیدن به آن‌ها را نیز ارائه می‌کند و در نتیجه، سبک زندگی اسلامی به نوعی نماد هویت فردی و اجتماعی مسلمانان نیز تلقی می‌شود. طبق این بیان، می‌توان پرسش جستار را این‌گونه صورت‌بندی کرد که در سبک زندگی اسلامی آرمان و هدف‌های زندگی چیست؟ یک سبک زندگی می‌تواند هدف‌های متعدد از وسیله‌ای و نهایی، فردی و ساختاری و خرد و کلان وجود داشته باشد، اما هدف نهایی، برتر و مسلط (آرمان) در سبک زندگی اسلامی چیست؟ به عبارت دیگر زندگی انسان در آینده نزدیک و یا دور به کجا باید برسد؟

هدف این مقاله کشف و استنباط آرمان و اهداف سبک زندگی از قرآن و نشان دادن تفاوت میان هدف‌ها و آرمان زندگی است با این فرضیه که آرمان زندگی فرد مسلمان در طول هدف‌های زندگی وی تعریف می‌شوند.

روش تحقیق در این جستار «مطالعه پژوهشی» است. مطالعه پژوهشی دارای ویژگی‌های متعددی است:

مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای سؤال محور یا جهت‌دار است؛ یعنی محقق برای به دست آوردن اطلاعات خاصی به مطالعه می‌پردازد. از این‌رو، در چارچوب برنامه مطالعاتی تعریف شده عمل می‌کند.

مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای عمیق و دقیق است؛ یعنی محقق باید ابتدا مطالب و متن (آیات و روایات) را بفهمد و مشخص سازد که این اطلاعات در چه زمینه‌ای از پژوهش یا به کدام یک از سؤالات پژوهش پاسخ می‌دهد، سپس آن را ثبت کند. برای درست فهمیدن یک متن در مواردی چندین بار خواندن آن ضرورت دارد و در مواردی نیز باید از دیگران (مفسران) کمک گرفت.

مطالعه پژوهشی مطالعه‌ای انتقادی است. در پژوهش فقط جمع‌آوری اطلاعات بدون ارزیابی و نقد، ارزش چندانی ندارد. به همین دلیل در مطالعه پژوهشی، محقق باید به صورت انتقادی با متن مواجه شود و اطلاعات موجود در متن را مطالعه نماید تا هر نوع اطلاعاتی را بدون هیچ ضابطه‌ای ثبت و ضبط نکند. افزون بر این تشخیص دهد که چه میزان از اطلاعات متن برای او قابل استفاده است.

بعد از مرحله جمع‌آوری اطلاعات، باید مجموعه اطلاعات جمع‌آوری شده، طبقه‌بندی شود تا از حالت پراکندگی و گستردگی خارج شود. سپس باید اطلاعات جمع‌آوری شده با توجه به ضابطه‌هایی مورد ارزیابی بیرونی و درونی قرار گیرد تا اعتبار و حجیت آنها مشخص گردد و در پایان باید بر اساس این اطلاعات استدلال و استنتاج کنیم و نتایج و برداشت‌های خود را ارائه نماییم؛ یعنی به سؤالات تحقیق پاسخ دهیم.

به‌طور مسلم نمی‌توان از انبوه اطلاعات کیفی پراکنده، نتیجه‌گیری کرد. بر این اساس باید اطلاعات جمع‌آوری شده طبقه‌بندی شوند. به‌همین دلیل تلخیص و طبقه‌بندی اطلاعات، بخشی از فرآیند تحلیل اطلاعات محسوب می‌شود. در پژوهش‌های کمی به‌راحتی می‌توان با توجه به شاخص‌هایی همچون میانگین و واریانس اطلاعات را طبقه‌بندی کرد. ولی در پژوهش کیفی که اطلاعات به‌صورت الفاظ و جملات است، به‌راحتی نمی‌توان اطلاعات را طبقه‌بندی کرد و هیچ شیوه علمی تعریف شده‌ای برای حل آن مشکل به شیوه‌ای مقبول وجود ندارد. به این لحاظ باید مسائل را با خلاقیت جدیدی حل کرد؛ یعنی تلاش کرد طبقه‌بندی اطلاعات را بر اساس سؤالات تحقیق انجام دهیم.

مرحله بعد، نقد و ارزیابی اطلاعات جمع‌آوری شده است. از آنجا که تحقیق ما یک تحقیق کیفی بود و در تحقیقات کیفی اطلاعات را ما تولید نمی‌کنیم، فقط با جستجو، اطلاعات موجود را جمع‌آوری می‌کنیم، باید ابتدا اطلاعات را بیابیم، سپس آن‌ها را مورد سنجش قرار دهیم یا اعتباریابی کنیم. افزون بر این، به‌دلیل اینکه ما در تولید، یا کسب این اطلاعات نقشی نداشتیم، شیوه ارزیابی آن‌ها متفاوت است. به‌طور کلی در ارزیابی اطلاعات در پژوهش‌های اسنادی و مدارکی دو نوع ارزیابی باید صورت گیرد: ارزیابی بیرونی و ارزیابی درونی. اما در تحقیق حاضر ما بیشتر بر نقد درونی، یعنی تعیین معنا و مفهوم اطلاعات می‌پردازیم؛ در نقد درونی فهم مفردات، ترکیبات و جملات، گردآوری شواهد و قرینه‌ها، یافتن شواهد و در کنار هم قرار دادن اطلاعات مشابه مورد توجه بوده است. و سرانجام دست به تفسیر و استنباط زده شد. بعد از اینکه در مرحله تجزیه و تحلیل، اطلاعات جمع‌آوری شده طبقه‌بندی و نقد و ارزیابی شد، از اطلاعات جمع‌آوری شده، استنباط به‌عمل آورده و نظر خود را ارائه می‌نماییم.

به‌طور خلاصه، در این جستار از روش تحلیل متن یا به تعبیر موریس دورژه روش «کلاسیک» (دورژه ۱۳۶۲، ۱۰۴) استفاده شده است و مبنای کار بر طبق این روش این‌گونه است که ابتدا پرسش‌هایی طرح می‌شود و بعد به جستجوی پاسخ آن در متن پرداخته می‌شود. در روش تحلیل متن ارتباط بین رجوع به متن و نتیجه‌گیری درباره هر مطلب، دو سویه و مکرر است؛ یعنی با طرح پرسش، جستجو در متن را آغاز کرده و پس از مطالعه متن، ممکن است، پاره‌ای قسمت‌های آن معنای قسمت‌های دیگر را عوض کند.

(۱) مفاهیم

(الف) سبک زندگی

این تحقیق سبک زندگی را محصول شکل‌گیری آرمان‌ها و قوت همبستگی اجتماعی می‌داند که در اثر آن ارتباطات میان اعضای جامعه افزایش یافته و جمع‌گرایی قوت گرفته و فردگرایی تضعیف می‌گردد. طبق نظریه اجتماعی^۱ ارتباط، سبک زندگی مجموعه‌ای از ارتباطات مبتنی بر جهان‌بینی فرد است که با تلاش و کوشش برای تحقق اهداف مجموعه‌های زندگی و رسیدن به آرمان زندگی صورت می‌پذیرد. در فرآیند زندگی البته نباید از عوامل بازدارنده، مسائل و مشکلات نیز غفلت کرد. به عبارت دیگر، سبک زندگی مجموعه ارتباط‌هایی است که بر اساس آرمان و هدف‌هایی شکل می‌گیرد و هر فردی در زندگی خود با آن سبک درصدد نیل به آن آرمان و هدف‌هاست. لذا باید هم آرمان و هدف‌ها را خوب شناخت و هم مسائل و مشکلات تحقق آن‌ها را (آسیب‌شناسی).

سبک زندگی الگوی ارتباطی است که مردم نسبت به آن جامعه‌پذیر شده و حاکی از ارزش‌ها و جهان‌بینی است که مردم در ذهن خود دارند و به وسیله آن با خدا، خود، طبیعت و دیگران ارتباط برقرار می‌کند.

(ب) سبک زندگی اسلامی

اگر جهان‌بینی حاکم بر سبک زندگی اجتماعی، طبق تعریف ارائه شده، اسلامی باشد و آرمان و هدف‌های زندگی از تعالیم اسلامی دریافت شده باشد، سبک زندگی فرد و جامعه اسلامی خواهد بود.

(ج) هدف‌های زندگی

هدف آن چیزی است که برای رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌شود. هدف‌هایی که انسان برای زندگی خود در ذهن ترسیم می‌کند، همه زندگی او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به تعبیر دیگر، به تلاش‌های او «جهت» و «معنی» می‌بخشد. هدفمندی زندگی به این معناست که انسان در طول زندگی خود باید برای هر بخشی و مجموعه‌ای (مثل تحصیل علم، ازدواج، اشتغال، و...) از زندگی خود هدفی در ذهن داشته باشد. بر اساس این تعریف، می‌توان گفت همه انسان‌ها در ذهن خود برای زندگی‌شان هدف‌هایی را دارند، چه این هدف‌ها خودساخته باشد و خواه آن‌ها را از منابعی دینی یا غیردینی دریافت کرده باشند، چه این هدف‌ها متعالی

۱. برای آگاهی از نظریه اجتماعی ارتباط رک: کافی، نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن.

باشند و چه دنیوی. به‌طور مثال، آرامش هدف زندگی زناشویی^۱ یا موفقیت فرزندان هدف تلاش و کوشش روزانه والدین در خانواده، و... سازوکار سبک زندگی اجتماعی است. اهداف زندگی در دو سطح هدف‌های وسیله‌ای و هدف نهایی (آرمان) قابل بررسی هستند. اهداف وسیله‌ای هدف‌هایی هستند که ممکن است ما را سرگرم کنند؛ ولی هرگز در ته دل خود ارضا نخواهیم شد؛ مثل تفریحات، ورزش، تحصیل، پیشرفت در کار، کسب ثروت، خوشگذرانی، و غیره. هدف نهایی یا آرمان زندگی هدفی است که آن را خداوند برای انسان تعیین و مشخص کرده است. در واقع، هدف‌های زندگی وسیله‌ای برای رسیدن به آرمان زندگی هستند. پس نباید هدف‌های زندگی که در واقع وسیله رسیدن به آرمان زندگی هستند، هدف نهایی زندگی تلقی شوند. به‌عبارت دیگر نباید وسیله را به‌جای هدف و هدف را به‌جای آرمان گرفت.

د) آرمان زندگی

هدف‌های مجموعه‌های مختلف زندگی (مثل ازدواج، اشتغال، تحصیل، اوقات فراغت، و...) باید هم‌سو به طرف یک سرانجام و آماجی نشانه گرفته شوند. در این جستار این هدف نهایی و آماج زندگی را آرمان می‌نامیم. آرمان عبارت است از آن حقیقت مطلوب که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان است و او را به انجام کارها و انتخاب وسیله‌هایی سوق می‌دهد که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید (جعفری تبریزی ۱۳۶۲، ۱، ۸۰). اگرچه آرمان می‌تواند معرف واقعیت نباشند؛ اما آرمان سبک زندگی اسلامی برگرفته از آموزه‌های اسلامی و واقعی هستند. به‌طورکلی آرمان زندگی ممکن است واقعی یا حتی خیالی باشد؛ با وجود این نیروی بسیار شدیدی بر سبک زندگی انسان وارد می‌کنند که مقاومت در مقابل آن بسیار دشوار است.

م) آرمان‌گرایی

یکی از سازوکارهای تبدیل سبک زندگی فردی به سبک زندگی اجتماعی آرمان‌گرایی تک‌تک مردم است. آرمان مردم عامل شکل‌گیری سبک زندگی اجتماعی می‌شود. اما آرمان‌گرایی چیست؟ آرمان نوعی آینده‌نگری در طول زندگی است؛ یعنی تصویر و ذهنیت مردم از آینده که سعی می‌کنند در طول زندگی به آن برسند. وجود یک تصویر ذهنی از آینده در طول زندگی، سبک زندگی اجتماعی ویژه‌ای را برای مردم رقم می‌زند. مردم در زندگی خود باید حتی برای فعالیت‌های عادی خود به فکر تحقق آرمان خود باشند

۱. لَتَشْكُنُوا إِلَيْهَا؛ وَجَعَلَ مَبْنَاهَا رُوحَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا (اعراف ۱۹۰)

و زندگی خود را با آن با معنا و مفهوم کنند. به چنین گرایش مردم در طول زندگی آرمان‌گرایی اطلاق می‌شود.

ن) هنجارهای فرهنگی

در هر جامعه‌ای یک سلسله ارزش‌ها و احکام و مقررات خاص وجود دارد که نه تنها رفتار درست و نادرست را تعریف می‌کند؛ بلکه آرمان و اهداف زندگی را نیز تعیین می‌کند. این ارزش‌ها و احکام و مقررات خاص همان هنجارهای فرهنگی یک جامعه است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. هنجارهای فرهنگی از مقوله باورداشت‌های مشترک به‌شمار می‌آیند. ارزش‌ها، قواعد رفتاری (هنجارها)، عادات، آداب و رسوم، عرف حقوقی و شرعی، و مدگرایی که در نظام ارتباطی نقش معنادهندگی به اجزا و عناصر را بازی می‌کند، هنجارهای فرهنگی آن جامعه محسوب می‌شوند.

۲) ادبیات نظری تحقیق

هدفمندی زندگی مسئله‌ای اجتماعی است، ولی آرمان‌گرایی مسئله‌ای هستی‌شناختی است. تمایل مردم به تحقق هدفهایشان عامل ارتباطات و زندگی اجتماعی آنان است و تمایلشان به تحقق آرمانشان هویت‌یابی وجودشناختی است. بر اساس اهداف زندگی است که انواع ارتباطات اجتماعی و مجموعه‌های فرهنگی به‌عنوان بزرگ‌ترین دستاورد انسانی نظیر زبان، خط، هنر، ادبیات، رسانه‌ها و ... پدید می‌آیند.

این مسلم است که مردم در ارتباطات اجتماعی خود اهدافی دارند. اما هدف چیست؟ توضیح اینکه از یک‌سو مردم در پی کمال خویش هستند و از سوی دیگر برای جبران ناتوانی و برطرف کردن نیازهای زندگی خود وضعیتی را در آینده در ذهن خود تصور می‌کنند. این وضعیت ذهنی هدف^۱ نامیده می‌شود. هدفمندی نوعی آینده‌نگری است؛ یعنی تصور مردم از آینده که برای جبران ناتوانی و رفع نیازهای خود و حس کمال‌جویی در زندگی خود سعی می‌کنند به آن برسند. مردم در ارتباطات اجتماعی خود نیازمندند که حتی برای فعالیت‌های به‌طور کاملاً عادی خود هدف‌هایی قائل باشند و زندگی خود را با معنا و مفهوم جلوه دهند.

بر اساس اینکه هدف در مجموعه‌های مختلف زندگی چه چیزی باشد، ارتباط می‌تواند عاطفی (ارتباطی که خود هدف است) و یا غیرعاطفی (ارتباطی که بیشتر وسیله است و

۱. اعتقاد به هدف‌دار بودن جامعه، همانند طبیعت یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نظریه اجتماعی ارتباط در قرآن است. از این‌رو آگاهی از آرمان و هدف نهایی مقدم بر شناخت هدف‌های مجموعه‌های زندگی است. این در حالی است که اکثر نظریه‌های جامعه‌شناختی معاصر اولاً، در بررسی‌های خود از بررسی چنین اهدافی روی‌گردانند و ثانیاً انسان و اجتماع را از کشف آرمان و اهداف زندگی بی‌نیاز پنداشته‌اند.

خود هدف نیست) باشد. ارتباط چه عاطفی و چه غیرعاطفی می‌تواند مثبت و یا منفی باشد. ارتباط در صورتی مثبت است که هدف در یک ارتباط به نحو مثبت بر هدف یک ارتباط دیگر تأثیر گذارد؛ به‌طور مثال کسب روزی حلال وسیله‌ای است که می‌تواند روی ارتباطات خانوادگی اعضاء اثر مثبت گذارد و سبب ایجاد فرزند صالح در ارتباط زناشویی شود. ارتباط هنگامی منفی است که یا فاقد هدف باشد و یا وسیله‌ای برای جلوگیری از تحقق هدفی در یک ارتباط دیگر باشد؛ به‌طور مثال ارتباط یک پدر با فرزند خود برای جلوگیری از ارتباط برقرار کردن فرزند با دوستان ناباب.

هدف‌ها به دو بخش فردی و ساختاری قابل تعریف هستند. به‌طور مسلم اهداف فردی خردند و اهداف ساختاری می‌تواند خرد یا کلان باشند. منظور از اهداف ساختاری اهداف سازمان‌ها، نهادها، گروه‌ها، و اجزای مختلف ساختار اجتماعی است که در مجموع زندگی مردم را تشکیل می‌دهد؛ مثل هدف ازدواج، شغل و کار، ارتباطات مردم و....

رابطه آرمان و سبک زندگی

در مورد رابطه آرمان و سبک زندگی دو موضوع قابل طرح است. نخست این که آرمان و هدف‌هایی که در طول زندگی وجود ندارد و در آینده احتمالاً محقق می‌شوند، چه رابطه‌ای با سبک زندگی فردی و اجتماعی دارند و چگونه می‌توانند عامل و محرک پویایی زندگی، گروه، ارتباطات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و ... باشند؟ در پاسخ می‌توان گفت آنچه در طول عمر انسان تأثیر بر سبک زندگی وی دارد، وجود ذهنی آرمان و اهداف است؛ زیرا آرمان و هدف‌ها در وجود ذهنی فرد عینیت می‌یابد و همین وجود ذهنی نقش تعیین‌کننده در سبک زندگی را بازی می‌کند.

دومین موضوع اینکه سبک زندگی جنبه نمادین دارد یا اینکه خود اصالت داشته و کارکردی غیرنمادین دارد (کاشفیت یا طریقت داشتن سبک زندگی)؟ آدلر^۱ معتقد است سبک زندگی راه دستیابی به آرمان است، همان‌طور که از پاره‌ای از آیات و روایات طریقت سبک زندگی به‌دست می‌آید (ر.ک: کافی ۱۳۹۷)؛ اما دیگران سبک زندگی را نوعی بیان نمایش و به تعبیری دیگر نماد می‌دانند. حال با فرض نمادین بودن، پرسش این است که سبک زندگی، نماد چه چیزی است؟ زیمل^۲ آن را نماد فردیت برتر، ویلن^۳ آن را نماد سازوکار روحی و عادات فکری، وبر^۴ و بسیاری از پیروان وی سبک زندگی را نماد منزلت اجتماعی، بوردیو^۵

-
1. Alfred Adler
 2. Georg Simmel
 3. Thorstein Veblen
 4. Max Weber
 5. Pierre Bourdieu

گیدنز^۱ و جمعی از جامعه‌شناسان متأخرتر سبک زندگی را نماد هویت فردی و اجتماعی می‌دانند. شاید بتوان گفت هویت مفهومی عام است که هر دو تمایز مورد نظر زیمل و وبر حتی تا حدود زیادی دیدگاه آدلر را پوشش می‌دهد. (ر.ک: کافی ۱۳۹۷)

تأثیر دیگر پویایی آرمان بر ایجاد یک پارچگی سبک زندگی باشد. آرمان در هر جامعه‌ای عامل هماهنگی و یک پارچگی سبک زندگی است؛ ولی هر آرمانی به مرور زمان، جزئی از وضعیت موجود می‌شود. آرمانی که در گذشته پویا و عامل تکامل و پیشرفت زندگی بود، در طی زمان، ایستا و عامل لختی و عدم تحرک زندگی می‌گردد. به همین دلیل چنین آرمانی دیگر مورد علاقه و دلبستگی اعضای جامعه قرار نمی‌گیرد؛ چراکه چنین آرمانی عامل و محرک تحول و تکامل سبک زندگی نیست. هرگاه جامعه‌ای دلبستگی خود به آرمان را از دست دهد، عامل همبستگی خود را از دست داده و دچار اختلاف و پراکندگی می‌شود. در این صورت، زندگی افراد به سبک‌های مختلف شکل می‌گیرد و هر کسی در زندگی خود در پی جبران نیازها و اهداف زندگی خود می‌رود. به عبارت دیگر اعضای چنین جامعه‌ای فقط متوجه بهبود وضعیت زندگی گروهی یا خصوصی خود می‌شوند و تمام هم و غم‌شان گذران زندگی روزمره و منافع دنیوی^۲ می‌گردد. (صدر نجفی ۱۴۲۱ق، ۱۲۷)

در اثر این وضعیت، زندگی مردم به چندین سبک در می‌آید و به دلیل اینکه بر سر اهداف شخصی و گروهی خود اختلاف پیدا می‌کنند، یکسانی سبک زندگی خود را از دست می‌دهند؛ چراکه اهداف گروه‌ها بسیار زیاد و با هم ناسازگارند و کسی که بتواند این ناسازگاری را برطرف کند و اهداف یکسانی برای همه تعریف کند، وجود ندارد.^۳

آخرین مورد تأثیر هدف‌های فردی بر سبک زندگی است. نوع هدف فرد بر سبک زندگی او تأثیر می‌گذارد؛ به‌طور مثال کسی که هدفش در مجموعه اقتصادی و درآمد زندگی تجمیع مال و ثروت است، در زندگی، سبکی را دنبال می‌کند که بتواند به این هدف برسد. از این‌رو نوع عبادت او نیز تحت تأثیر این سبک زندگی و هدفش قرار می‌گیرد و مستحبات عبادی را انتخاب می‌کند که بدان‌ها وعده مال و ثروت در این دنیا داده شده است (کلینی ۱۴۱۳ق، ۳، ۱۳۳)

گاهی این تصور ایجاد می‌شود که آرمان‌گرایی عامل عدم حرکت و دست‌نیافتن به هدف‌های زندگی می‌شود. اما باید توجه داشت که ترسیم سبک زندگی مطلوب و آرمان‌گرایی با وجود سه شرط مضر و عامل ناامیدی نخواهد بود: ۱. آینده‌نگری در باب

1. Anthony Giddens

۲. عاجله، مَنْ كَانَ يَرِيدُ الْعَاجِلَةَ جَعَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ يُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَاهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا؛ هرکس که خواهان این جهان باشد هر چه بخواهدم زودش ارزانی داریم، آن‌گاه جهنم را جایگاه او سازیم تا نکوهیده و مردود بدان درافتد (اسراء ۱۸).

۳. بِأَسْبَهِمْ يَبْتَهُمْ شَدِيدٌ حَسْبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى ذَلِكِ بِأَسْبَهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ (حشر ۱۴).

سبک زندگی مطلوب واقع‌بینانه باشد و حقایق زیست‌شناسانه، روان‌شناسانه و جامعه‌شناختی را در ترسیم آن فراموش نشود؛ ۲. آینده‌نگری در باب سبک زندگی همراه با ارائه راهکار اصلاح باشد، یعنی فقط سبک زندگی مطلوب را به تصویر نکشد، بلکه راهکارها و شیوه‌های تحقق آن را نیز نشان دهد. طرح باید تلاش کند راه‌ها، راهکارها و سازوکارهای تحول سبک زندگی موجود به سبک زندگی مطلوب را نیز ترسیم کند؛ (زرین‌کوب ۱۳۶۲، ۲۳۲) ۳. در آینده‌نگری همچنین باید اهداف و آرمان‌هایی دارای مراتب (اعم از اهداف و آرمان‌های اصلی، نهایی، و واسطه) برای سبک زندگی مطلوب تعیین شود. این اهداف باید سهل‌الوصول باشد تا تحقق پاره‌ای از مراتب آن‌ها شور و خواست و اراده را در مردم برانگیزد و آنان را به مبارزه اجتماعی و تغییر اوضاع و احوال موجود، مایل و راغب گرداند (مصباح یزدی ۱۳۷۲، ۴۱۲). شایان ذکر است که همیشه جوامع به آرمان‌ها و وضعیت مطلوب خود دست نمی‌یابند. البته این سخن نیز به این معنا نیست که آرمان‌ها جنبه کاملاً خیالی و اتوپیایی دارند، ولی این امر مسلم است که جوامع به طرف آرمان‌های خود میل می‌کنند و درصدهای از آن‌ها را می‌توانند محقق سازند. آرمان‌ها برخلاف اهداف که می‌توانند به تعداد مجموعه‌های زندگی و افراد جامعه متعدد و متفاوت باشند، از یک تجمیع بالایی برخوردارند. اگرچه افراد با اهداف مختلف و متعدد ممکن است در ارتباطات خود جهت‌گیری‌های متفاوت داشته باشند، چون تجربه‌های گذشته، موفقیت‌ها، شکست‌ها، و مسیرهای طی شده آن‌ها متفاوت بوده است (آدلر ۱۳۷۰، ۲۱۸)؛ ولی در نظریه اجتماعی به تجمیع این اهداف تحت عنوان آرمان‌های اجتماعی تأکید می‌شود.

خلاصه اینکه آرمان و اهداف مردم از زندگی و تصویری که از آینده زندگی (آینده‌نگری) دارند، بر نوع سبک زندگی آنان تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تغییر می‌دهد. بنابراین وقتی که تصورات مردم از آینده تغییر می‌کند، استراتژی‌های آنان در زندگی‌شان نیز تغییر می‌کند.

۳) جامعه‌شناسی آرمان‌گرایی

مردمی که در تکاپوی زندگی هستند به برآورده شدن خواسته‌ها و رسیدن به آرمان و اهداف خویش می‌اندیشند که خود مسئله‌ای مهم در شکل‌گیری سبک زندگی اجتماعی است. آرمان و هدف‌های زندگی سرگرمی‌های ذهنی نیستند، بلکه اساساً جنبه‌ای اجتماعی دارند و تحقق آن‌ها به مشارکت اجتماعی و صرف وقت، منابع (پول و غیره) و ظرفیت و امکانات ساختاری نهادهایی مانند خانواده، مدرسه، سازمان‌ها و دستگاه‌های اداری نیاز دارند. اقتضای همبستگی اجتماعی و تداوم زندگی این است که آرمان و هدف‌های یک جامعه بین مردم مشترک و به عبارتی اجتماعی باشند. اگر مردم آرمان و هدف‌های گوناگون و جداگانه‌ای داشته باشند، در زندگی آن‌ها

هرج و مرج به وجود می آید و شکل گیری سبک زندگی اجتماعی یک پارچه ممکن نمی شود. در هر جامعه و فرهنگ برای زندگی آرمان و اهدافی تعریف شده است. آرمان و اهداف در یک فرهنگ، عنصر اصلی هستند که فرهنگ جامعه برای وجود آنها توجیحاتی فراوان و غنی دارد و برای حفظ آنها، هرگونه هزینه ای را می پردازد. تاثیر عناصر اصلی فرهنگ در ایجاد وفاق اجتماعی میان اعضا، بسیار زیاد است.

دلیل تنوع سبک زندگی اجتماعی می تواند انتظارات و خواسته های متفاوت مردم در شبکه ها و گروه های اجتماعی باشد. همچنین تنوع سبک زندگی می تواند پیامد دستیابی به بیشترین حد توانایی و منابعی باشد که گروه های اجتماعی در اختیار دارد. یکی دیگر از سازوکارهای تنوع سبک زندگی اختلاف در آرمان و هدف های زندگی است، اگر در میان مردم جامعه آرمان و اهداف متعدد و متنوع وجود داشته باشد، سبک های زندگی بیشتری شکل می گیرد. گاهی هم تنوع سبک زندگی به دلیل این است که هر گروهی منافع خاص خود را دارد. گاهی ممکن است منافع این گروه با منافع گروه دیگر در تعارض باشد، تبیین اختلاف سبک زندگی آنها به دلیل تعارض منافع امکان پذیر است. (ریتزر ۱۳۸۵، ۱۷۲)

کارکرد آرمان گرایی

آرمان گرایی کارکردهایی هم برای سبک زندگی اجتماعی دارد. یکی از سازوکارهای تحول سبک زندگی فردی به سبک زندگی اجتماعی آرمان گرایی مردم است. به عبارت دیگر، آرمان گرایی مکانیسم اجتماعی شدن سبک زندگی است. به طور معمول آرمان و هدف ها، در زمره ارزش های اجتماعی قرار دارند. اگر مردم آرمان گرا نباشند و برای تحقق اهداف اجتماعی تلاش نکنند، سبک زندگی اجتماعی شکل نمی گیرد. آرمان نیرومندترین عامل در تثبیت شخصیت (شاکله، خلق و خوی) و هدف ها تعیین کننده سبک زندگی مردم هستند؛ زیرا تنها آرمان است که می تواند اراده را تحریک کند و تمامی غرایز را سازمان دهد. انرژی زیستی قرار گرفته تحت تصرف شخصیت در نهایت زیر سایه مراقبت چیزی قرار دارد که آن را آرمان می نامیم. کارکرد دیگر آرمان گرایی این است که سبک زندگی اجتماعی را به سوی یک پارچه شدن سوق می دهد. همچنین تمایل مردم به تحقق آرمانشان عامل برقراری ارتباطات اجتماعی و اجتماعی شدن سبک زندگی آنان است.

۴) آرمان زندگی در جهان بینی اسلامی

در جامعه اسلامی، سبک زندگی اجتماعی مطلوب، سبکی است که بر اساس جهان بینی اسلامی پی ریزی شده باشد. معتقدان به جهان بینی اسلامی، زندگی را یک زندگی آزاد و

مطلوب از نظر آموزه‌های دینی می‌دانند و تحقق آن را نیز بر روی زمین نه تنها ممکن، بل قطعی تلقی می‌کنند. سبک زندگی آرمانی اسلام، تصویر ذهنی از سبکی است که مردم معتقد به جهان‌بینی اسلامی از راه آموزه‌های اسلام به آن رسیده‌اند و تلاش می‌کنند که سبک زندگی کنونی خود را به سوی سبک مطلوب تغییر دهند.

انتخاب هدف نهایی به جهان‌بینی هرکس بستگی دارد، اینکه در بین افراد جامعه اختلاف در انتخاب آرمان به چشم می‌خورد، معلول جهان‌بینی‌های مختلف و متفاوت است؛ زیرا جهان‌بینی ریشه اصلی انتخاب آرمان زندگی است. جامعه آرمانی در هر مکتبی، یک جامعه علمی و بالقوه عینی است، هماهنگ با روح و جهت آن مکتب، مبتنی بر پایه جهان‌بینی و متناسب با هدف نهایی و فلسفه زندگی انسان در آن مکتب. هرچند جهان‌بینی، آموزه‌های دینی، تلاش‌های عقلی و تجربه زیسته مردم از مهم‌ترین زمینه‌های شکل‌گیری سبک زندگی آنان تلقی می‌شوند؛ اما می‌توان آرمان‌ها را به‌عنوان زمینه‌ای دیگر برای سبک زندگی نیز در نظر بگیریم. آرمان‌هایی عینی در همه سبک‌های زندگی وجود دارد که با نظام فرهنگی و جهان‌بینی که چکیده تجربه‌های انسانی و آموزه‌های دینی است، هماهنگ است.

جهان‌بینی ← هدف‌های زندگی ← آرمان

۵) سبک زندگی به‌مثابه وسیله یا هدف

سبک زندگی واحد یک‌پارچه‌ای است حاصل مجموعه فعالیت‌هایی (تحصیل علم، ازدواج، اشتغال، عبادت، و...) در زندگی فرد و تلاش‌های او برای نیل به اهداف. انسان‌های ضعیف از احساس ناامنی و عقده حقارت رنج می‌برند و چون این وضعیت برای آنان قابل تحمل نیست، احساس حقارت آنان را وادار به اقدام می‌کند. (شالر ۱۳۸۸) در این صورت انسان دارای هدف است. مدت‌ها است که روان‌شناسی فردی این حرکت منسجم و یک‌پارچه به‌سوی هدف مشخص را برنامه یا سبک زندگی می‌نامند.

اما آیا سبک زندگی وسیله‌ای است برای رسیدن به هدف یا خود هدف است؟ در جهان‌بینی اسلامی از دو منظر می‌توان هدف زندگی را مورد بررسی و مطالعه قرار داد. یکی از منظر شناخت آرمان و اهداف خرد و کلان زندگی که در این صورت زندگی وسیله‌ای برای رسیدن به آرمان و هدف‌های آن است و دیگر آنجاکه سبک زندگی به‌عنوان نماد جهان‌بینی اسلامی و هویت مسلمانی در نظر گرفته می‌شود، در این صورت سبک و چگونگی زندگی خود به‌عنوان هدف تلقی خواهد شد.

آدلر از نظریه سبک زندگی استفاده ابزاری برای پیش‌بینی آینده فرد می‌کند. وی از سبک عادی زندگی به‌عنوان مبنای سنجش و اندازه‌گیری استفاده می‌کند. وی از انسان

سازگار و معتدل اجتماعی به عنوان یک موقعیت استفاده می کند و انواع مختلف سبک های زندگی را در مقایسه با آن می سنجد. (Adler 1969)

از بین روان شناسان ایرانی نیز خانم دادستان موضوع سبک زندگی را راهی یکتا برای دستیابی به هدف تلقی می کند. به نظر وی سبک زندگی عبارت است از: ۱. طرح و دریافتی اجمالی از جهان (نوعی جهان بینی)؛ ۲. فرآیند در حال گذار؛ ۳. راهی یکتا و منحصر به فرد برای دستیابی به هدف؛ ۴. خلاقیتی حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت های آن (سازگاری محیطی). بر اساس این تعریف، سبک زندگی رفتار و منش نیست؛ بلکه امری است که همه رفتارها و تجربیات انسانی را هدایت می کند و خود به واسطه خوی ها و منش فردی شکل می گیرد.^۱

اما بیشتر نظریه های روان شناختی و جامعه شناختی از منظر دوم، سبک زندگی را مورد بررسی قرار می دهند. در بیشتر این نظریه ها سبک زندگی به مثابه یک هدف مورد بررسی و مطالعه قرار می گیرد. بر اساس آموزه های قرآن نیز که مسلمانان نباید از رفتار و سبک زندگی مردم دنیا تقلید کنند، سبک زندگی اسلامی برای آنان هویت بخش و هدف است. از این رو باید از افکار و سبک زندگی که خدا برای انسان خواسته پیروی کنند تا به انسانی جدید تبدیل شوند. در صورت پیروی از آموزه های الهی است که انسان قادر خواهد شد اراده خدا را نسبت به زندگی خویش درک کند. آنچه را که خوب و کامل و مورد پسند اوست، کشف کند. این بدان معنا نیست که خداوند مردم را دوست ندارد؛ بلکه به این معناست که مردم نباید با ارزش های غیر الهی این دنیا همانند شوند. به عبارت دیگر مردم نباید بگذارند دنیا از راه فشارهایی که بر آنان وارد می آورد، سبک زندگی و شخصیت شان را شکل دهد.

چگونه انسان می تواند در این دنیا زندگی کند، بی آنکه تحت فشارهای این دنیا قرار گیرد؟ صوفیان و بسیاری از فرقه های ادیان و مذاهب تنها راه را در گوشه نشینی و انزوی دنیایی و اجتماعی می دانستند (ایده جداسازی خود از دنیا). آنان جداسازی خود از دنیا را در قطع کامل ارتباط خود با طبیعت و دیگران می دانستند، به طوری که به نظر آنان باید از همه پدیده های جمعی، اجتماعات، رسانه ها، و... دوری گزید. کسانی که به خانقاه یا صومعه می رفتند و تارک دنیا می شدند، چنین اندیشه ای داشتند؛ اما این یک ایده و اندیشه ناب دینی و اسلامی نیست. اینکه هر دینی از پیروان خود خواسته که حقیقت را به همه انسان ها برسانند و... نشانه اجتماعی بودن زندگی است.

۱. سبک زندگی، طرح و دریافتی اجمالی است از جهان، فرآیند در حال گذار و راه است؛ راه یکتا و فردی زندگی و دستیابی به هدف؛ خلاقیتی است حاصل از کنار آمدن با محیط و محدودیت های آن (رک: دادستان، روان شناسی مرضی: تحولی از کودکی تا بزرگسالی).

۶) آرمان زندگی در قرآن

پیش‌تر گفته شد اهداف زندگی به دو سطح خرد و کلان قابل تقسیم‌اند. به‌طور معمول هدف نهایی (آرمان) زندگی یکی و هدف‌ها متعدد هستند. انسان و جامعه به‌طور طبیعی یک مطلوب نهایی دست‌یافتنی به نام آرمان را در طول زندگی خود دنبال می‌کنند. اگرچه این آرمان در هر جامعه‌ای می‌تواند متفاوت باشد، ولی در زندگی هر فرد و اجتماعی وجود دارد. این آرمان الزاماً هدفی آشکار و خودآگاه نیست؛ بلکه می‌تواند هدفی باشد که تمام وجود فرد و جامعه را تسخیر کرده است.

فرض بر این است که قرآن به تفاوت هدف کلان و خرد (آرمان و هدف) اشاره کرده است، آنجاکه اشاره می‌کند انسان یکتاپرستی که در زندگی فقط یک هدف و مقصد (کلان) را دنبال می‌کند، هرگز از این جهت با انسان چندگانه‌گرایی که روح و روانش را در میان اهداف و مقاصد گوناگون تقسیم کرده، یکسان نیست.^۱ در این راستا آیاتی از قرآن کریم^۲ به بیان این حقیقت نیز می‌پردازد که اهداف زندگی این جهانی نمی‌تواند آرمان زندگی انسان تلقی شود، زیرا این دنیا در عین جالب بودن زودگذر و از بین رفتنی است^۳ نه ماندگار و نهایی.

مقصود از آرمان یا هدف نهایی زندگی چیزی است که بقیه هدف‌های زندگی در راستای رسیدن به آن تعریف می‌شوند. می‌توان از قرآن سه آرمان که در واقع یکی هستند، ولی با سه تعبیر به بیان شده‌اند، استنباط کرد. مورد اول آنجاکه زندگی این جهانی وسیله دستیابی و رسیدن به «زندگی پاکیزه» بیان شده است. در آیه ۹۷ سوره نحل دو شرط برای رسیدن به آرمان زندگی یا زندگی پاکیزه بیان شده است: یکی ایمان و دیگری عمل صالح. از نظر قرآن هر مرد و یا زن مؤمنی عمل شایسته‌ای انجام دهد، به او زندگی پاکیزه و نیکو داده می‌شود و به آنان پاداشی بهتر از آنچه انجام داده‌اند، عطا می‌شود.^۴ مورد دوم جایی است که قرآن هدف نهایی زندگی را تقرب به خداوند بیان کرده است؛ چراکه از نظر قرآن هیچ هدفی متعالی‌تر از آن وجود ندارد. قرآن اسباب تقرب و نزدیک شدن به خداوند را ایمان و عمل صالح بیان می‌کند.^۵

۱. صَبَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رِجَالًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّوْنَ وَ رِجَالًا سَمَاءًا لِرِجَالٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا لِحَمْدِ اللَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (زمر ۲۹)

۲. آل عمران ۱۸۵، انعام ۳۲، توبه ۳۸، رعد ۲۶، عنکبوت ۶۴ محمد(ص) ۳۶، حدید ۲۰.

۳. «حیات جاریه معمولی در این دنیا از نظر قرآن، حیاتی ابتدایی است و مرحله پست حیات به‌شمار می‌رود، این مطلب در ۶۹ آیه از قرآن تذکر داده شده و با تعبیر الحیاة الدنیا که به معنای حیات ابتدایی می‌باشد، وارد شده است» (جعفری ۱۳۶۸، ۱۱۰).

۴. مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۵. وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا: . اسماول و اولادنان شما را به ما نزدیک نمی‌کند مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند (سبا ۳۷). قرآن در این آیه ایمان و عمل صالح را اسباب تقرب به خدا معرفی می‌کند. در آیه ۹۷ سوره نحل این دو را زمینه رسیدن به زندگی پاکیزه برشمرده است و در سوره عصر، این دو را مایه نجات انسان از خسران عظیم بیان می‌دارد.

می‌توان آرمان سومی نیز برای زندگی از قرآن به‌دست آورد. بعضی با استفاده از «لِیُعْبُدُونَ» بر این باورند که خداوند چنانچه انسان را برای عبادت کردن خود آفرید،^۱ هدف نهایی و آرمان زندگی انسان نیز عبادت و پرستش اوست. به‌نظر می‌رسد می‌توان عبادت را وسیله تقرب به خدا که آرمان زندگی است، در نظر گرفت نه یک آرمان مستقل برای زندگی. در قرآن عبادت خداوند به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین اهداف زندگی مطرح شده است،^۲ چون عمیق، زیبا و درست، معنی زندگی کردن در سبک زندگی اسلامی را بیان می‌کند. یکی از جلوه‌های عبادت در اسلام معرفت و شناخت انسان، طبیعت و اجتماع است. عبادت در قرآن یعنی شناختن قوانین علمی‌ای که در طبیعت و در زندگی انسان وجود دارد. این قوانین علمی است که به‌دست خداوند نوشته شده و در عالم و آدم تعبیه شده است. عبودیت یعنی این که انسان این قوانین را بشناسد و اراده خود را هماهنگ با این قوانین علمی بکند. قوانین را بشناسد و بعد از این قوانین علمی پیروی کند تا بتواند نجات یابد و تکامل پیدا کند. بنابراین یکی از شکل‌های عبادت ارتباط انسان با طبیعت از راه شناخت قوانین طبیعی و هماهنگی با آن و پیروی از آن است (شریعتی ۱۳۷۷، ۱۹، ۳۴۰). مردم را می‌توان در برابر آرمان زندگی به سه دسته تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستند که به علت سرگرم شدن به هدف‌های این جهانی زندگی، به آرمان زندگی نمی‌اندیشند، اینان به تعبیر قرآن کسانی هستند که به اهداف زندگی این جهانی راضی شده و با آن آرام گرفته‌اند، و رضایت به زندگی موقت سبب شده است که به‌طور جدی درباره آرمان (هدف نهایی زندگی) نیندیشند و در غفلت غوطه‌ور باشند.^۳

گروه دوم کسانی هستند که هدف‌های زندگی نتوانسته آن‌ها را ارضا و خشنود سازد. این گروه به آرمان زندگی می‌اندیشند، ولی چون هدف نهایی زندگی را در لایه‌های اهداف مادی جستجو نموده‌اند؛ یا لذت بردن، تجمل‌پرستی، فزون‌طلبی در اموال، هوسرانی و به‌دست آوردن قدرت را هدف نهایی زندگی تلقی می‌کنند یا به نتیجه روشنی دست نیافته‌اند و سرگردان در زندگی این جهانی مانده‌اند. در قرآن این گروه چنین توصیف شده است که «بدانید زندگی دنیا تنها بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و تفاخر در میان شما، و افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است».^۴

دسته سوم از هدف‌های زندگی گام فراتر نهاده و با آرمان زندگی آشنا شده‌اند. این دسته نه مانند گروه اول با آسودگی خاطر به هدف‌های زندگی این جهانی دل‌خوش کرده‌اند و نه مانند گروه دوم به پوچی رسیده‌اند. قرآن نیز رسیدن به هدف نهایی و

۱. وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونَ (الذاریات ۵۶)

۲. همان.

۳. إِنَّ الدِّينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَاللَّيْلُ لَهُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ (یونس ۷)

۴. اغْتَابُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهُمْ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْبٍ أُنْجِبِ الْكُمَّازَ بِنَاهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْأَجْرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ (حدید ۲۰)

موفقیت را به آنان نوید داده و خداوند هم یاری‌شان خواهد کرد.^۱

۷) اهداف قرآنی زندگی

سبک زندگی در نگرش قرآن دارای اهداف دنیایی و اخروی، مادی و معنوی، نسبت به گذشته و حال و آینده است. اختلاف‌هایی در بین اندیشمندان در مورد مصداق‌های اهداف خرد و کلان زندگی وجود دارد. از آنجاکه شخصیت افراد به‌خصوص گرایش‌های آنان (سلايق، تمایلات، احساسات و...) در سبک زندگی‌شان نقش بسیار با اهمیت دارد، شاید چیزی که برای شخصی هدف است، برای دیگران هدف نباشد، ولی همان‌ها نیز در زندگی اهدافی دارند. (مصباح یزدی ۱۳۶۷)

مستند هدفمندی زندگی، آیات متعدد قرآن است. خداوند در بسیاری از آیات به‌خصوص آیات اجتماعی و مربوط به زندگی روزمره، پس از بیان یک حقیقت خاص، هدف یا اهدافی را برای آن حقیقت ذکر می‌کند؛^۲ به‌طور مثال، برای توجیه اینکه چرا انسان را در دو جنس آفریده و آن‌ها را به‌صورت تیره‌ها و قبیله‌ها قرار داده است، می‌فرماید لِتَعَارَفُوا.^۳ آرامش مردم را هدف آفرینش شب و تلاش برای امرار معاش را هدف خلقت روز بیان می‌کند.^۴ آرامش مردم را هدف آفرینش جفت برای آنان ذکر کرده است. در آیه‌ای^۵ داوری بین مردم و رفع اختلاف بین آن‌ها، هدف بعثت و فرستادن کتاب آسمانی بیان شده است. هدف‌های مورد نظر قرآن در این نوع از آیات به‌طور معمول پس از «ل» غایت بیان می‌شوند.

از دید مردم می‌توان اهداف خرد ولی ارزشمند زندگی از نظر آنان را این‌گونه شمارش کرد: آرامش، سعادت، رفاه مادی و کسب ثروت، شغل، دوستی، آموزش، معرفت، آسایش، و سلامت. اما در قرآن و روایات به اهداف دیگری همچون عبادت،^۶ بهشت،^۷ اخلاص، (آمدی ۱۳۷۷، ح ۷۴) شکوفاکردن استعدادها، آبادکردن زمین، رضایت به قضا و قدر الهی^۸ نیز اشاره شده است.

۱. وَ الَّذِينَ جَاهَلُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَالمُحْسِنِينَ (عنکبوت ۶۹)

۲. به‌طور مثال خداوند در آیه یا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (این‌ها ملاک امتیاز نیست،) گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شماست خداوند دانا و آگاه است! (حجرات ۱۴)

۳. یا در آیات هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ؛ او کسی است که شب را برای شما آفرید، تا در آن آرامش بیابید (یونس ۶۸)؛ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ؛ خداوند کسی است که شب را برای شما آفرید تا در آن بیابید (غافر ۶۲)؛ وَمَنْ رُحِمْتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ؛ و از رحمت اوست که برای شما شب و روز قرار داد تا هم در آن آرامش داشته باشید و هم برای بهره‌گیری از فضل خدا تلاش کنید (قصص ۷۴) ۴. وَمَنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش بیابید (روم ۲۲)

۵. كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكَمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره ۲۱۳)

۶. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِي (الذاریات ۵۶)

۷. اللجنة افضل الغاية (آمدی، غررالحکم و درر الکلم، ح ۱۰۲۴)، اللجنة مآل الفایز: (آمدی ۱۳۶۶، ح ۱۰۷۴)

۸. الرَّهْدُ عَشْرَةَ أَجْزَاءٍ، اَعْلَىٰ دَرَجَةِ الرَّهْدِ اَذِي دَرَجَةِ الْوُزْعِ وَ اَعْلَىٰ دَرَجَةِ الْوُزْعِ اَذِي دَرَجَةِ الْيَقِينِ وَ اَعْلَىٰ دَرَجَةِ الْيَقِينِ اَذِي دَرَجَةِ الرِّضَا (کلبینی ۱۳۱۱ق، ۲، ۶۲). مَنْ رَضِيَ بِالْعَاقِبَةِ مِمَّنْ دُونَهُ رُزِقَ السَّلَامَةَ مِمَّنْ فَوْقَهُ (صدوق، الامالی، ص ۵۲۲)

به نظر می‌رسد هدف آرامش تا آن اندازه برای انسان مهم و مؤثر بوده است که آموزه‌های دینی و ایمان را می‌توان در راستای دستیابی به این هدف تلقی کرد. از این رو است که آرامش در جایگاه جامع‌ترین مفهوم در اسلام و آموزه‌های قرآنی نشسته است، به طوری که در اسلام، ایمان از ریشه «امن» به معنای آرامش جان و رهایی از هرگونه ترس، اضطراب، تشویش، نگرانی و اندوه گرفته شده است تا به این روش ارتباط ناگسستنی میان پذیرش آموزه‌های وحیانی و توحید را با دستیابی به آرامش روح و روان را بنمایاند.^۱

گاهی سعادت را آرمان سبک زندگی قرار می‌دهند. سعادت یعنی اینکه هرچه بیشتر و بهتر زندگی کردن و از مواهب دنیا لذت بردن، به عبارت دیگر، لذت‌های پایدار سعادت هستند؛ این معنای سعادت در اسلام به عنوان آرمان سبک زندگی بیان نشده است. پاره‌ای دیگر می‌گویند لذت آرمان زندگی است. لذت کوتاه مدت است، در حالی که سعادت به لذت‌های پایدار اطلاق می‌شود.^۲ در قرآن لذت دنیایی نیز برای آرمان زندگی بیان نشده است.

در قرآن رفاه مادی و برخورداری از ثروت به عنوان هدف زندگی و رسالت پیامبران بیان نشده است؛ بلکه به عنوان یک اصل برای زندگی اجتماعی و بهزیستی پذیرفته شده است. این تلقی حاکی از کیفیت و رسالت وجودی و سبک زندگی انسان است. انسان در این تلقی شریف‌تر از آن نگریده می‌شود که رفاه مادی و زندگی مادی مقدمه فلسفه وجودی او به شمار آید، بر خلاف آنچه که ایده‌آلیست‌ها و صوفی‌گرایان می‌پندارند. در اسلام رفاه و امکانات مادی وسیله‌ای برای پیشرفت انسان شمرده می‌شود. در اسلام خواست طبیعی انسان به امکانات مادی و ثروت به عنوان مقدمه تکامل معنوی، رشد اخلاقی و فکری او مشروع تلقی شده، تا آنجا که تأمین این خواست‌ها یکی از آثار ایمان حساب شده است؛ اما نه به عنوان هدف بلکه به عنوان اصلی برای زندگی. بنابراین تأکید قرآن بر رفاه مادی به همان اندازه است که مکاتب مادی و غیرالهی بیان می‌کنند؛ اما اختلاف بر سر نگرش هر یک به مسائل اقتصادی و رفاهی است که این مکاتب آن را هدف می‌گیرند و اسلام آن را اصل.

یکی از اهداف زندگی انسان کمال‌یافتن نیروها و استعدادها است؛^۳ یعنی هدف آفرینش انسان‌ها این است که استعدادهایی که شخصیت آنان بر اساس آن شکل گرفته شکوفا گردد و به منصفه ظهور برسد. از این رو زندگی انسان آزمایشی برای سنجش میزان رسیدن به این هدف است.^۴ یکی از هدف‌های زندگی در قرآن، آباد کردن زمین بیان شده است.^۵ اینکه خداوند از

۱. انعام ۸۲

۲. برای آگاهی بیشتر از تفاوت سعادت و لذت بنگرید: مصباح‌یزدی، آموزش عقاید.

۳. وَتَتَّبِعُوا أَجْلاً مُّسَمًّى (غافر ۶۷)

۴. لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ (ملک ۲)

۵. وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنِّ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا... برای قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم صالح گفت: ای مردم! خدا را عبادت کنید که معبودی غیر از او ندارید. او شما را از زمین آفرید و آبادی آن را از شما خواسته است (هود ۶۱)

انسان آباد کردن زمین را می‌خواهد، به این معنا نیست که آرمان و هدف نهایی زندگی همین است، بلکه بهره‌وری از زمین برای بقای انسان و استمرار حیات مادی، لازم و ضروری است و ادامه زندگی نیز مقدمه رسیدن به هدف والاتری است که انسان و استمرار حیات به تدریج باید به سوی آن هدف در حرکت باشد و سرانجام به آن برسد.

یکی از اهداف سبک زندگی اسلامی هدایت شدن مردم است، امور روزمره زندگی اگر در راستای هدایت و تقویت ایمان مردم باشد، مورد تأکید آموزه‌های اسلامی قرار می‌گیرد و اگر عامل ضلالت و گمراهی شود، از آن پرهیز داده می‌شود، مثل ثروت.

و سرانجام اینکه هدف زندگی، می‌تواند اصلاح به معنای عام کلمه باشد. نقش قرآن در زندگی انسان هدایت‌گری است؛ اما تحقق هدایت انسان نیز به تلاش او برای اصلاح است. در آیات از قرآن^۱ و پاره‌ای از روایات، مسلمانان به اصلاح امور به‌طور کلی و امور زندگی به‌طور خاص توصیه شده‌اند. آیات متعددی وجود دارند که مستقیم یا غیرمستقیم بر اصلاح امور فردی و اجتماعی به‌عنوان هدف زندگی دلالت دارند. اصلاح مصداق‌های بسیاری دارد. حل مسائل و معضلات زندگی فردی و اجتماعی، تقویت حق‌مداری و رفع نیازها که در پاره‌ای از روایات برای هدف علم مطرح شده است، می‌تواند به معنای اصلاح باشد. به عبارت دیگر، رفع نیاز اعم از فردی و اجتماعی خود نوعی اصلاح زندگی فردی و اجتماعی به حساب می‌آید. (کافی ۱۳۹۵)

۸) هدف ازدواج و اشتغال

در پایان بررسی آرمان و اهداف زندگی از منظر قرآن، برای نمونه دو مجموعه از سبک زندگی یعنی ازدواج و اشتغال بر اساس مدل ارائه شده در ابتدای مقاله، انطباق‌سازی می‌شود. در سبک زندگی اسلامی، بر خلاف بسیاری از مکاتب و مذاهب دیگر^۲ رابطه

۱. فَمَنْ خَافَ مِنْ مَوْصٍ جَنَفًا أَوْ إِنَّمَا فَاضَلَخَ بَيْنَهُمْ فَلَا يُؤْمَرْ عَلَيْهِ إِذْ أَلَّفَهُمُ اللَّهُ غُفُورٌ رَحِيمٌ (بقره/۱۸۳)؛ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَى قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِحْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْفُسْؤُحَ وَيُوْضِحُ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَا غَيْبَ لَكُمْ مِنْهُ لَنْ يَكْفُرَ اللَّهُ بِكُمُ الْيَوْمَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ (بقره/۲۲۵)، اصلاح بین مردم مورد توجه خداوند است، ولی برای تحقق آن نباید قسم یاد کرد؛ وَالْمُطَلَّقاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيُعْلِنُهُنَّ أَخَوٌ يَرْضَهُنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (بقره/۲۲۹)؛ وَإِنْ جَفَنُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْتَغُوا حَكْمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكْمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يَرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا (نساء/۳۴)؛ لَا حَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِضَدْفَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا (نساء/۱۱۵)، کمک به دیگران، انجام کار نیک، و اصلاح بین مردم از موارد ارتباط شایسته بین مردم است؛ وَأُضْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۲)؛ وَأُضْلِحُوا لَهُ زُوجَهُ إِهْمُمْ كَانُوا يَسَارِعُونَ فِي الْحَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ (انبیا/۹۱)؛ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَى الْوَالِدِ وَأَنْ أَعْجَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأُضْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي إِنْ يَتَّبِعْ إِلَّا بَوَّأْتُهُ لِأَبِكِ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ (احقاف/۱۶)؛ وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأُضْلِحُوا بَيْنَهُمَا..... فَإِنْ فَاءَتْ فَأُضْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْقَدْلِ وَأُقْسِمُوا إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الْمُفْسِدِينَ (حجرات/۱۰)؛ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأُضْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَالَّذُوا اللَّهُ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ (حجرات/۱۰)، همانا مردم مؤمن، برادر یکدیگرند، یعنی ارتباط مردم در جامعه اسلامی مشابه ارتباط فرزندان در یک خانواده است. نوع ارتباط بین مردم باید همراه با الفت باشد. الفت اساس همبستگی اجتماعی است. اسلام بر حفظ همبستگی اجتماعی و الفت تأکید بسیار دارد و الفت زوجین، الفت والدین و فرزندان و همچنین الفت فرزندان یک خانواده با یکدیگر (یعنی الفت خواهران و برادران) را اساس همبستگی اجتماعی قرار داده است. به همین خاطر است که اسلام وقتی می‌خواهد در سطح کلان و بین احاد امت اسلامی همبستگی برقرار کند، می‌گوید: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ هَمَانَا اِفِرَادِ مُؤْمِنٌ، برادر یکدیگرند، یعنی ارتباط مردم در اجتماع مشابه ارتباط فرزندان یک خانواده است. افزون بر این آیات، در پاره‌ای از روایات نیز هدف و کردار پیامبران و امامان شیعه اصلاح به‌طور عام و اصلاح اجتماعی به‌طور خاص بیان شده است؛ به‌طور مثال این روایات که انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی (مجلسی ۱۴۰۳ق، ۴۴، ۳۲۶) در بین این مذاهب، برهمنان آیین بودا گزینه جنسی را زشت و شیطانی و پلید و عامل تباهی انسان و جامعه می‌دانند. کسانی می‌توانند به مقامات

جنسی بین زن و مرد پذیرفته شده است، اگرچه آزادی جنسی پذیرفته نیست. ازدواج، عامل آرامش روح و زندگی انسان است. ازدواج ناآرامی های روانی را برطرف می کند. اساس زندگی اجتماعی بر ارتباط عاطفی و انس و الفت بین زن و مرد، نه اختلاف است. زن و مرد دارای صفات و ویژگی های متفاوت و مکملی هستند. ارتباط و رفتار عاطفی زن نسبت به مرد پاسخ گوی نیازهای عاطفی او و تداوم خانواده است.^۱

ازدواج دارای هدف فردی و اجتماعی است، یعنی بازتولید جامعه، تولید نسل جدید، فرزندآوری و موفقیت فرزندان در تلاش و کوشش روزانه والدین (گروه و خانواده) هدف خرد اجتماعی، آرامش زن و شوهر در زندگی زناشویی هدف فردی و زندگی پاکیزه آرمان خانواده است. این اهداف خرد و کلان نیاز زندگی عادی خانواده در جامعه است. این اهداف مردم را به سوی تلاش برای تحقق وضعیت مطلوب یا همان هدف نهایی یا آرمان سوق می دهد. برای مثال تعبیر قرآنی «غَيْرَ مُسَافِحِينَ»^۲ اشاره به این دارد که نباید هدف ازدواج، تنها هوسرانی و ارضای غریزه جنسی باشد؛ بلکه باید هدف عالی تری وجود داشته باشد که غریزه جنسی نیز در خدمت آن قرار گیرد، یعنی اهداف فردی و اجتماعی (آرامش و بقای نسل انسان)، در خدمت آرمان (حفظ او از آلودگی ها و زندگی پاکیزه) باشد.

در سبک زندگی اسلامی کار و فعالیت روزانه انسان عبادت است (مجلسی ۱۴۰۳ق، ۱۰۰). شغل باید انسان را در دراز مدت به آرمان هایش برساند. اسلام به کار ارزش می دهد، چه دلیلش تعلقات مادی و رضایت نفس باشد و چه امری اخلاقی. کار تأثیرگذار بر بخشی از شرایط روحی انسان است که برای مسلمانان از جذابیت زیادی برخوردار است، در صورتی که بی کاری اغلب شرایط تهدید کننده و مخربی را برای اجتماع به دنبال دارد. از این رو مسلمانان به اشخاصی که توانایی کار داشته ولی به دنبال کار نمی روند با دیدی نامطلوب و غیر قابل تحمل نگاه می کنند.

هدف اشتغال در سبک زندگی اسلامی تأمین معشیت خود و خانواده^۳ و دوری از انحرافات اجتماعی^۴ است. امروزه نمی توان بدون توجه به اشتغال جوانان، آسیب های اجتماعی را کاهش و انحرافات اجتماعی را کنترل کرد. خداوند فرد دارای حرفه و شغل را دوست دارد. کسی که در خانه بنشیند و به عبادت پردازد و دعا کند، دعایش مستجاب نمی شود.^۵ (حر

عالی معنوی برسند که از همه تعلقات غریزه جنسی آزاد باشند. همچنین کسی که می خواند وارد آیین جین شود، باید پنج پیمان را بپذیرد، از جمله اینکه لذات و شهوات جنسی را بر خود حرام کند و آن را برای دیگران نیز نپسندد. (ر.ک: ناس، تاریخ جامع ادیان) در مسیحیت نیز با اینکه رابطه جنسی به طور کلی ممنوع نشده است، اما عملی زشت تلقی می شود و رهبران مذهبی آنان باید از رابطه جنسی دوری گزینند.

۱. ر.ک: اعراف، ۱۸۹.

۲. وَأَجَلٌ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَلِكَ أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاوَعْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ (نساء ۲۴)

۳. قال النبي ﷺ: أَرْكَبُ الْأَعْمَالَ كَسْبُ الْمَرْءِ بَيْدِهِ (متقی ۱۴۰۹ق، ج ۶۸)

۴. امام صادق (ع) گفته: اگر خداوند انسان ها را طوری آفریده بود که مثل پرندگان روزی شان جلو چشمشان آماده بود و فقط از سبزی و گیاهان استفاده می کردند و احتیاجی به کار بدنی نداشتند، مبتلا به مفسد اجتماعی می شدند. (توحید مفصل، مجلس سوم)

۵. قال امیرالمؤمنین علی (ع): إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْمُخْتَرِفَ الْأَمِينِ (ابن بابویه ۴۱۱ق، ج ۲)

عاملی ۱۴۰۳ق، ج ۱۲) کسی که برای تأمین معیشت خانواده‌اش، تلاش می‌کند، مثل کسی است که در راه خدا به جنگ رفته است.^۱ اشتغال عبادت است (مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰). پیامبر از کسی پرسیدند: شغل داری؟ گفت نه! فرمودند از چشمم افتادی؛ اگر مؤمن شغل و حرفه‌ای نداشته باشد، دین خود را وسیله امرار معاش قرار می‌دهد. (موحدی ابطحی ۱۴۱۱ق، ۳۹۰) امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب که شغل و تجارت خود را کنار گذاشته بود و منتظر روی کار آمدن حکومت آن‌حضرت بود، فرمودند: این از شما عجیب است، ثروت از بین می‌رود، از تجارت دست مکش و فضل و برکت خدای را بجوی، مغازه‌ات را بگشای و بساط کسب و کار خود را پهن کن و از پروردگارت روزی بطلب (ابن حیون ۱۴۱۱ق، ج ۲، ۱۶) هیچ مسلمانی حق ندارد به بهانه آخرت‌گرایی و زهد بی‌فعالیت در گوشه‌ای بنشیند. زهد به معنای تنبلی یا مالک چیزی نبودن نیست، بلکه به معنای این است که چیزی مالک انسان نباشد.

برای همه مجموعه‌های سبک زندگی می‌توان از منابع اسلامی آرمان و اهداف خرد و کلان آن را استخراج کرد و طبق مدل این جستار آن‌ها را ارائه کرد که در حوصله این مقاله نیست.

نتیجه‌گیری

۱. سبک زندگی اسلامی دارای یک آرمان و تعدادی هدف است. اهداف خود بر دو نوع خرد و کلان تقسیم می‌شود. هدف خرد هدفی است که خاص یک مجموعه است و برای مجموعه‌های دیگر نمی‌تواند هدف باشد. مثل تأمین معیشت که هدف اشتغال است، ولی هدف مجموعه از دواج نیست. هدف کلان هدفی است که زندگی به‌طور کلی به‌سوی آن جهت‌گیری شده است و با بسیاری از مجموعه‌های دیگر در آن مشترک است، ولی هدف نهایی زندگی نیست. آرمان نیز هدف نهایی زندگی است که از تعدادی آیات دو یا سه مورد برای آن بیان شده است.

۲. برای هر مجموعه‌ای از سبک زندگی هدف یا هدف‌هایی در نظر گرفته می‌شود که همه آن‌ها بیانگر یک هدف نهایی، کلی و کلان است. هدف آن چیزی است که برای رسیدن به آن تلاش و کوشش می‌شود. هدف‌هایی که انسان برای زندگی خود در ذهن ترسیم می‌کند، به زندگی او «جهت» و «معنی» می‌دهد. هدفمندی زندگی به این معناست که انسان در طول زندگی خود باید برای هر بخشی و مجموعه‌ای (مثل تحصیل علم، ازدواج، اشتغال، و...) از زندگی خود هدفی در ذهن داشته باشد. بر اساس این تعریف

۱. أَلَاذُعُ عَلَىٰ عِيَالِهِ لَأَلْمَجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ (الحر عاملی ۱۴۰۳ق، ج ۱۲)

می‌توان گفت همه انسان‌ها در ذهن خود برای زندگی‌شان هدف‌هایی را دارند، چه این هدف‌ها خودساخته باشد و خواه آنها را از منابعی دینی یا غیردینی دریافت کرده باشند، چه این هدف‌ها متعالی باشند و چه دنیوی.

۳. اهداف زندگی به دو سطح وسیله‌ای و نهایی (آرمان) قابل تقسیم هستند. اهداف وسیله‌ای هدف‌هایی هستند که ممکن است ما را سرگرم کنند، ولی هرگز در ته دل خود ارضاء نخواهیم شد؛ مثل تفریحات، ورزش، تحصیل، پیشرفت در کار، کسب ثروت، خوشگذرانی و غیره. هدف نهایی یا آرمان زندگی هدفی است که آن را خداوند برای انسان تعیین و مشخص کرده است. در واقع هدف‌های زندگی وسیله‌ای برای رسیدن به آرمان زندگی هستند. پس نباید هدف‌های زندگی که در واقع وسیله رسیدن به آرمان زندگی هستند، هدف نهایی زندگی تلقی شوند. به عبارت دیگر نباید وسیله را به جای هدف و هدف را به جای آرمان گرفت.

۴. به هدف کلی، کلان و نهایی آرمان اطلاق می‌شود. آرمان عبارت است از آن حقیقت مطلوب که اشتیاق وصول به آن، محرک انسان است و او را به انجام کارها و انتخاب وسیله‌هایی سوق می‌دهد که آن حقیقت را قابل وصول می‌نماید. اگرچه آرمان می‌تواند معرف واقعیت نباشند، اما آرمان سبک زندگی اسلامی برگرفته از آموزه‌های اسلامی و واقعی هستند. آرمان زندگی در قرآن بر اساس تفسیرهای مختلف یکی از سه مورد: زندگی پاکیزه، عبودیت و عبادت می‌تواند باشد که به نظر می‌رسد همه آن‌ها در حقیقت بیان‌کننده یک چیز هستند.

۵. بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان‌ها باید در زندگی خویش آرمان (هدف نهایی) آفرینش خود را در نظر گرفته و در جهت نیل به آن حرکت کنند. هدف‌های مقدماتی هم که انسان‌ها در زندگی دنیوی خود در نظر می‌گیرند، همه باید در راستای آن آرمان باشد. آرمان و اهداف مردم از زندگی و تصویری که از آینده زندگی (آینده‌نگری) دارند، بر نوع سبک زندگی آنان تأثیر می‌گذارد و آن‌ها را تغییر می‌دهد. بنابراین این وقتی که تصورات مردم از آینده تغییر می‌کند، استراتژی‌های آنان در زندگی‌شان نیز تغییر می‌کند.

منابع

۱. آدلر، آلفرد. ۱۳۷۰. روان‌شناسی فردی. ترجمه حسن زمانی شرفشاهی. تهران: تصویر.
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد. ۱۳۶۶. غررالحکم و دررالکلم. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی. ۱۴۱۴ق. من لایحضره الفقیه. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.

۴. ابن هیون، نعمان بن محمد. ۱۴۱۱ق. دعائم الاسلام. بیروت: دار الاضواء.
۵. جعفری تبریزی، محمدتقی. ۱۳۶۲. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. _____ . ۱۳۶۸. فلسفه و هدف زندگی. تهران: کتابخانه صدر.
۷. حر العاملی، محمد بن الحسن. ۱۴۰۳ق. وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. تهران: کتابفروشی اسلامی
۸. دادستان، پریخ. ۱۳۷۶. روان‌شناسی مرضی: تحولی از کودکی تا بزرگسالی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
۹. دوورژه، موریس. ۱۳۶۲. روش‌های علوم اجتماعی. ترجمه خسرو اسدی. تهران: امیرکبیر
۱۰. ریتزر، جورج. ۱۳۸۵. نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
۱۱. زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۶۲. تاریخ در ترازو: درباره تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری. تهران: امیرکبیر.
۱۲. شریعتی، علی. ۱۳۷۷. مجموعه آثار. تهران: چاپخش.
۱۳. شلر، ماکس. ۱۳۸۸. کین توزی. ترجمه ترجمه صالح نجفی و جواد گنجی. تهران: نشر ثالث.
۱۴. صدر نجفی، سید محمدباقر. ۱۴۲۱ق. المدرسة القرآنیة. قم: مرکز الأبحاث و الدراسات التخصصیة للشهید الصدر.
۱۵. کافی، مجید. ۱۳۹۳. نظریه اجتماعی ارتباط. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۶. _____ . ۱۳۹۵. هدف علم در پارادایم اسلامی علوم انسانی. دو فصل‌نامه اسلام و علوم اجتماعی ۱۶: ۶۱-۸۲
۱۷. _____ . ۱۳۹۷. سبک زندگی از دیدگاه قرآن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۱۳ق. اصول الکافی. بیروت: دار الاضواء.
۱۹. متقی، علی بن حسام‌الدین. ۱۴۰۹ق. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسة الرسالة.
۲۰. مجلسی، محمدباقر. ۱۴۰۳ق. بحار الأنوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۷۲. جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۲. مصباح یزدی، محمدتقی. ۱۳۶۷. آموزش عقاید. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، معاونت فرهنگی.
۲۳. _____ . ۱۳۹۰، در جستجوی عرفان اسلامی، چ چهارم، نگارش محمد مهدی نادری قمی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه.
۲۴. موحدی ابطحی، محمدباقر. ۱۴۱۱ق. جامع الاخبار. قم: مؤسسة الامام المهدی رضی الله عنه.
۲۵. مهدوی کنی، محمدسعید. ۱۳۸۶. مفهوم سبک زندگی و گستره آن در علوم اجتماعی. فصل‌نامه تحقیقات فرهنگی ش ۱: ۱۱۹-۲۳۰
۲۶. ناس، جان بایر. ۱۳۷۰. تاریخ جامع ادیان. ترجمه علی اصغر حکمت. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۲۷. وارن، ریک. [بی‌تا]. خلاصه‌ای از ترجمه زندگی هدفمند. ترجمه جمشید نیک‌نژاد.